

لالایی‌های برای نخوابیدن

عنوان کتاب‌ها: لالایی‌های مامان زری – لالایی‌های بابایی – لالایی‌های نی‌نی کوچولو
شاعر: ناصر کشاورز
تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی
ناشر: نشر رویش
نوبت چاپ: سوم – دی ۱۳۸۳؛ سوم: دی ۱۳۸۳ –
اول: دی ۱۳۸۳
شمارگان: (هر جلد) ۱۰۰۰۰ نسخه
تعداد صفحات: (هر جلد) ۱۶ صفحه
بها: (هر جلد): ۳۰۰ تومان



منتشر شده است. نخستین و مهم‌ترین سؤالی که پس از مطالعه این سه کتاب برای منتقد مطرح می‌شود، این است که آیا می‌توان محتویات این مجموعه‌ها را لالایی به حساب آورد یا نه؟ بحث درباره توانایی برقراری ارتباط با مخاطب، قدرت شاعرانگی و عیار هنری این منظومه‌ها از نظر اهمیت، در مراحل بعدی قرار دارد.

روشن است که لالایی، در حوزه ادبیات شفاهی تعریف می‌شود و به ادبیات مکتوب تعلق ندارد. بنابراین، برای سرودن یک لالایی تپیک، باید ویژگی‌های این ژانر را بدانیم؛ زیرا حتی اگر بدعت و هنجارشکنی

هایی است که سروده، چاپ و روانه بازار می‌شود و از نظر راقم این سطور، بسیاری از آن‌ها توقع آشنایان ادبیات شفاهی را از لالایی برآورده نمی‌سازد. در این جا سه مجموعه از ناصر کشاورز، شاعر به نام و توانای کودکان و نوجوانان، بهانه صحبت شده است و البته نباید فراموش کرد که تا به حال، کوشش‌های گویندگان کودکانه سرا، در این ژانر محک نخورده است این، تنها فتح بابی به حساب می‌آید.

مجموعه‌های مذکور، تحت عناوین «لالایی‌های مامان زری»، «لالایی‌های بابایی» و «لالایی‌های نی‌نی کوچولو»

سالیانی است که شاهد تلاش‌هایی برای جمع‌آوری لالایی‌های مناطق مختلف کشور مانیم. هم‌چنین در این دوره، برخی از دست‌اندرکاران شعر کودک و نوجوان، در زمینه سرودن لالایی به اسلوب مألوف، طبع آزمایی کرده‌اند و حتی گاه به قصد نوآوری، قدم در این وادی گذاشته‌اند. بحث درباره جمع‌آوری لالایی‌ها، در حوصله مطلب پیش رو نمی‌گنجد و فقط یادآوری اش کافی به نظر می‌رسد که این کار، حقیقتاً کاری است بزرگ و اگر به سامان صورت بگیرد، همت عالی می‌طلبد. آن‌چه تصمیم دارم در این مجال بررسی کنم، نمونه‌ای از لالایی گونه-

در این مقوله مطلوب باشد، بدون شناخت خصوصیات و هنجارها، این امر میسر نمی‌شود. پس برای پاسخگویی به نخستین و مهم‌ترین پرسشی که در مواجهه با سه مجموعه یاد شده به ذهن می‌رسد، ابتدا برخی از برجسته‌ترین ویژگی‌های لالایی-های ایرانی را به زعم خود، برمی‌شماریم و سپس، قضاوت می‌کنیم که منظومه‌های کشاورز، تا چه حد دارای این ویژگی‌ها یا عاری از آن‌هاست.

الف) ویژگی‌های لالایی‌های ایرانی

۱ - خردسالان، مخاطبان حقیقی لالایی‌ها به شمار می‌آیند و لالایی‌ها برای خواباندن آنان به کار می‌روند.

۲ - لالایی‌ها به زبان محاوره سروده می‌شوند.

۳ - لالایی‌ها بیش از دیگر اشکال شعر محاوره‌ای، با موسیقی درآمیخته‌اند و آن‌ها را معمولاً با آواز یا ترنم برای کودکان می‌خوانند. لالایی در حالت بسیار اصیل خود، با چند بیت کلیشه‌ای آغاز می‌شود و در حین خواندن آواز، فی‌البداهه شکل می‌گیرد. بنابراین، بار موسیقایی واژگان در آن اهمیت ویژه‌ای دارد.

۴ - معمولاً در ساختار زبانی و مفهومی لالایی‌ها، هیچ تلاشی برای غافلگیر کردن شنونده آن‌چنان که در اقسام دیگر شعر مطلوب است - صورت نمی‌گیرد و به هیچ موضوع مهمی پرداخته نمی‌شود؛ زیرا همه این‌ها می‌تواند خواب کودک را بپراند و هدف از سرودن لالایی، خواباندن اوست. به همین دلیل، درد دل‌هایی هم که در لالایی‌ها بیان می‌شوند، لحنی بسیار ملایم دارند و فاقد نقشی اساسی‌اند.

۵ - لحن و زبان لالایی‌ها، کاملاً غیرتصنعی و ابیات آن گاه فی‌البداهه است و طبیعت گونه‌مورد بحث هم چیزی جز این اقتضا نمی‌کند؛ چون گوینده لالایی معمولاً زبانی ساده و عامی‌اند که در خصوصی‌ترین لحظات خویش، صادقانه‌ترین قربان صدقه‌ها و آرزوها را نثار فرزندان‌شان می‌کنند یا طبیعت اطراف و زیبایی‌های آن را به تصویر می‌کشند یا درد دل‌های زنانه و دلتنگی‌ها و

گلایه‌های خود را ملایم بر زبان می‌آورند یا ...

۶ - تقریباً تمام لالایی‌های اصیل ایرانی، زبان و نگاهی زنانه دارند و از زبان مادر، دایه یا یکی از افراد مؤنث خانواده سروده شده‌اند و حتی اگر مردان هم آن‌ها را بخوانند، معمولاً لحن زنانه لالایی حفظ می‌شود.

۷ - تکرار در بافت لالایی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد و اعم از تکرار لفظ «لالا» یا «لالایی»، تکرار برگردان‌هایی ثابت، تکرار ساختار روایی واحد و ... است.

۸ - لالایی‌های ایرانی به هیچ وجه عاشقانه نیستند. هرچند مادران، گاه در سروده‌های‌شان، دلتنگی خود را از دوری همسران‌شان ابراز و برای آنان آرزوی خیر می‌کنند، لحن لالایی‌ها هیچ‌گاه عاشقانه و صدالبته «اروتیک» نمی‌شود.

۹ - هیچ‌گاه درد دل‌ها، دلتنگی‌ها و گلایه‌های مادران یا به طور کلی زنان گوینده، تمام یا بخش قابل توجهی از

می‌دانیم که معمولاً خردسالان، از معنای مثل‌ها سؤال نمی‌کنند و مثلاً نمی‌پرسند که «اتل یعنی چه؟» یا «توته مثل یعنی چه؟»

۱۲ - لالایی‌های ایرانی صبغه بومی دارند و اهمیت اقلیم (یا جغرافیا) در آن‌ها، بیش از زمان (یا تاریخ) است. مثلاً حال و هوای یک لالایی آذری، کاملاً با حال و هوای یک لالایی مازندرانی که همزمان با آن بر سر زبان‌ها بوده است، تفاوت دارد. این تفاوت‌های بومی لالایی‌ها را در بیان روابط خانوادگی، سنن و مراسم رایج، عادات غذایی، پوشش گیاهی و جانوری، ویژگی‌های لباس و ... به راحتی می‌توانیم مشاهده کنیم. زمان (یا تاریخ) به ندرت و آن هنگام در لالایی‌های یک منطقه اهمیت پیدا می‌کند که واقعه سیاسی - اجتماعی بزرگی، ذهن مردم آن‌جا را به خود مشغول کرده باشد؛ مانند قیام میرزا کوچک‌خان در گیلان، مبارزات ستارخان و باقرخان در تبریز، جنبش مردم تنگستان به رهبری رئیس علی دلواری و ... معمولاً در توصیف این وقایع، اهمیت

دو مجموعه لالایی‌های مامان زری و لالایی‌های بابایی،

به طور عمده عاشقانه‌هایی مردانه و زنانه را

دربرگرفته‌اند

شخصیت - که وجهه اسطوره‌ای می‌یابد - از عوامل دیگر مهم‌تر است.

حال، به بررسی سه مجموعه لالایی کشاورز می‌پردازم و آن‌ها را با دوازده مورد بالا می‌سنجم.

ب) لالایی‌های ناصر کشاورز

۱ - دو مجموعه لالایی‌های مامان زری و لالایی‌های بابایی، به طور عمده عاشقانه-هایی مردانه و زنانه را دربرگرفته‌اند که حتی گاه سایه‌ای محو از «اروتیسیم» نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد. مثلاً در کتاب لالایی‌های مامان زری، از قول مادر «نی‌نی کوچولو» می-

خوانیم:

لا لا لا گل شب بو
بابا صحرا، مامان آهو
مامانت عکسش افتاده
تو آب چشمه های او
(لالایی های مامان زری، ص ۵)

بابا سینه ش چه سرسبزه
یه دشت امن و آرومه
من آهوی همین دشتم
که مرد بره آهومه
(لالایی های مامان زری، ص ۵)

(مرد در این جا ظاهراً به معنای پدر آمده
است. در صورتی که در فرهنگ عامیانه ما،
مرد به معنای شوهر به کار می رود.)

لا لا لا گل پونه
بابا عمره، بابا جون
دلیم وا می شه مثل گل
همین که می رسه خونه
(لالایی های مامان زری، ص ۶)

...

یا در لالایی های بابایی، از قول پدر آمده
است:

لا لا لا گل ریجون
مامان رفته لب ایوون
حسودی می کنه مهتاب
به روی مثل ماه اون
(لالایی های بابایی، ص ۴)

مامان روشن تر از ماهه
چراغ خواب شب هامه
شب و روزم پر از نوره
مامان خورشید فردامه
(لالایی های بابایی، ص ۴)

لا لا لا گل غوزه
مامان خورشید، مامان روزه
با اون موهای آفتابیش
لباس عشق می دوزه
(لالایی های بابایی، ص ۵)

لا لا لا گل لیمو



لا لا گل گلدون
لا کن با لب خندون
الهی خالی از لبخند
نشه یک لحظه لب هامون

شبها وقتی که می خوابی
می آد بالا سرت بابا
می چینه از گل رویت
یه دونه غنچه زیبا

لالایی های ایرانی، عاشقانه و صد البته «اروتیک» نیستند

تقریباً تمام لالایی های اصیل ایرانی، زبان و نگاهی زنانه دارند

در این موج ها [موجا] شنا کردن
(لالایی های بابایی، ص ۸)
...

مامان چشم مامان ابرو
مامان با برق چشمونش
بابا رو می کنه جادو
(لالایی های بابایی، ص ۶)

بیشتر موضوع های فرعی دیگری نیز که
در این دو مجموعه پرداخت شده است، هیچ
ربطی به دنیای خردسالانی ندارد که برای
خواباندن شان لالایی می خوانند:

لا لا لا اگه بابا
نداره خونه و ویلا
ولی یک آسمون خوبه
دلی داره پر از دریا
(لالایی های مامان زری، ص ۱۳)

بابا خوب می دونه مامان
توی چشمش چیا داره
می شه جادوی این چشمها
به جای نه، می گه آره
(لالایی های بابایی، ص ۶)

لا لا لا گل لادن
مامان، دریا، موهاش موجن
نمی دونی چه شیرینه

لا لا لا گل پامچال
 یکی غمگین، یکی خوشحال
 یکی لم می ده پشت میز
 یکی پر می زنه بی بال
 (لالایی های مامان زری، ص ۱۴)

یکی داره، یکی زاره
 یکی پول هاشو می شماره
 یکی هم مثل این بابا
 تا بوق شب سرکاره
 (لالایی های مامان زری، ص ۱۴)

احتمالاً منظور از بوق شب، همان بوق
 سگ است.)
 ... و
 بنا بر آن چه گفته شد، مخاطب دست کم
 دو سوم از لالایی های کشاورز، خردسالان
 نیستند و شاید به شهادت آخرین صفحه کتاب
 لالایی های نی نی کوچولو که به معرفی این
 سه مجموعه اختصاص دارد، بتوان آن ها را
 «دل گو به های عاشقانه» نامید.
 ۲ - هر سه مجموعه لالایی، به زبان
 محاوره سروده شده اند، ولی گاهی این زبان
 محاوره دچار اختلال می شود؛ مثلاً در بیت:

**خردسالان، مخاطبان حقیقی لالایی ها به شمار می آیند
 و لالایی ها برای خواباندن آنان به کار می روند**



«مامانت عکسش افتاده / تو آب چشمه های
 او» (لالایی های مامان زری، ص ۵)، به
 جای «او»، بایستی «اون» می آمد که شاعر به
 دلیل قافیه شدن با «آهو»، «او» را به همان
 صورت کتابی آورده است. یا در بیت «قراره
 امشب از بابا / بگیرم هدیه ای زیبا (لالایی-
 های مامان زری، ص ۷)، نحو مصراع
 «بگیرم هدیه ای زیبا»، محاوره ای نیست.
 هم چنین در بیت «نباشیم مثل کاکتوسی /
 که یک گل در هزار خاره» (لالایی های
 مامان زری، ص ۱۱) «یک» در حقیقت باید
 «یه» باشد و ...

در بسیاری از موارد نیز شعرها کاملاً
 محاوره ای و درست سروده، اما نادرست
 نوشته شده است. مثلاً در بیت «خواب های
 خوب و خوش دارن / میان از او ور دنیا» (لالایی های نی نی کوچولو، ص ۴)، «خواب-
 ها» باید «خوابا» نوشته شود. یا در بیت «اگه
 من هم کم آوردم / دو تا دست های بابا
 هست» (لالایی های نی نی کوچولو، ص
 ۵)، «دست ها» باید «دستا» نوشته شود. هم-
 چنین در بیت «گل هم جون داره مثل ما /
 شب ها لالایی می خونه (لالایی های نی نی
 کوچولو، ص ۱۰)، «گل هم» باید «گلم» و
 «شب ها» باید «شبا» نوشته شود. این قسم
 مشکلات نوشتاری، در بیشتر ابیات سه
 مجموعه وجود دارد. ناگفته نماند که در پاره-
 ای از موارد، اختلالات وزنی نیز به چشم می-
 خورد؛ مثلاً در بیت «با او چشم های
 [چشمای] کنجکاو ش / به ماه شب شده
 خیره» (لالایی های نی نی کوچولو، ص ۷)،
 کلمه «کنجکاو» از وزن خارج شده است.

۳ - هر چند وزن لالایی های کشاورز،
 مانند بیشتر لالایی های ایرانی، «مفاعیلن
 مفاعیلن» است، مضامین آن ها به گونه ای
 است که خواندن شان با آواز برای خواباندن
 بچه، غریب می نماید. به عنوان نمونه، به
 بندهای زیر توجه کنید:

دل بابا اگه دریاست
 نداره طاقت دوری
 با یک [یه] لبخند و یک [یه] چایی
 می شه جا توی این قوری
 (لالایی های مامان زری، ص ۱۰)

بیا مثل گلی باشیم
که رنگ و بوی خوش داره
نباشیم مثل کاکتوسی
که یک گل در هزار خاره
(لالایی های مامان زری، ص ۱۱)

ببین مامان! چه اخم‌هایی [اخمایی]

لباسامون تمیز باشه
که باید زحمت دستاش
برای ما عزیز باشه
(لالایی های بابایی، ص ۱۴)

۴ - کشاورز به عادت مألوف و اتفاقاً
ستودنی خویش در سرودن شعر کودکانه، در

کاکتوسی / که یک گل در هزار خاره»
(لالایی های مامان زری، ص ۱۱)
واژه «کاکتوس» بافت همگن کلام را به
هم می‌زند و شنونده را غافلگیر می‌کند. هم-
چنین، کشف‌های شاعرانه کشاورز برای
توصیف حیرت «نی‌نی کوچولو» از دیدن ماه،
به درد لالایی نمی‌خورد:

می‌بینه نور زیبا شو
که توی خانه [خونه] می‌افته
داره فکر می‌کنه این توپ
چرا پایین نمی‌افته
(لالایی های نی‌نی کوچولو، ص ۷)

لالایی تیپیک باید به گونه‌ای سروده
شود که همراهی آن با آواز، حسی یکنواخت و
سکرآور به شنونده القا کند. این حس، بسیار
شبیه حسی است که از شنیدن صدای آب
روان در انسان ایجاد می‌شود.

۵ - به نظر راقم این سطور، لحن و زبان
کشاورز برای لالایی تصنعی است. مثلاً بند
زیر را در نظر بگیرید:
موهات دریایی آرومه
ولی موج هم [موجم] داره گاهی
تو این دریای کوچولو
شده انگشت من ماهی
(لالایی های نی‌نی کوچولو، ص ۱۳)

تصویر دریایی از موهای موج کودک که
انگشت مادر، مانند ماهی در آن حرکت می-
کند، شاید برای شعر کودک، لطیف و غیر
تصنعی باشد، ولی برای لالایی بیش از
اندازه مصنوع است و باید بپذیریم که هیچ
مادر ایرانی - حتی نوع فرهیخته‌اش - در
خلوت خود و برای خواباندن طفلش، این
گونه لالایی نمی‌خواند.

۶ - مجموعه لالایی های بابایی، یعنی
یک سوم لالایی‌های کشاورز، از زبان پدر و
کاملاً عاشقانه سروده شده است و کودکی که
قرار است بخوابد، در این میان هیچ اهمیتی
ندارد؛ یعنی تقریباً تمام لالایی‌های
مذکور، برای مادر بچه گفته شده است، نه
برای بچه.

۷ - هرچند در لالایی‌های کشاورز، لفظ
«لالا لالا» بارها تکرار شده و نام گل‌های



UU UU، گل رعنا
بیا مامان، بخند با ما
بدون خنده و شادی
نداره زندگی معنا
ببین مامان! چه اخم‌هایی
گره خورده به ابروهات
بذار وازش کنه بابا
با یک بوسه به این موهات

لالایی نیز در پی غافلگیر کردن مخاطب
است، اما متأسفانه استفاده از این شگرد در
لالایی، به هیچ وجه مناسب نیست؛ چون
خواب کودک را می‌پراند. مثلاً با شنیدن این
بند:

دل بابا اگه دریاست
نداره طاقت دوری
با یک [یه] لبخند و یک [یه] چایی
می‌شه جا توی این قوری
(لالایی های مامان زری، ص ۱۰)

ذهن خردسال مشغول جا دادن دل پدر
در قوری می‌شود و این تصویر عجیب،
خواهش را می‌پراند. یا در بیت «نباشیم مثل

گره خورده به ابروهات
بذار وازش کنه بابا
با یک [یه] بوسه به این موهات
(لالایی های بابایی، ص ۱۳)

لالا لالا گل سوسن
مامان داره نخ و سوزن
می‌دوزه با دل و جونش
برامون پیره‌ن و دامن
(لالایی های بابایی، ص ۱۴)

(البته بگذریم که نی‌نی کوچولو پسر
است و پدرش هم قاعدتاً دامن نمی‌پوشد!)
بدونیم قدر کاراشو

گونگون برای ساخت فرم روایی واحد به کار رفته است، شاعر موفق نشده به مدد تکرارها، حسی یکنواخت و سکرآور به مخاطب القا کند. تمام نمونه‌هایی که پیش از این ذکر شد، می‌تواند گواه مدعی اخیر نیز باشد. به همین سبب، برای پرهیز از اطناب، از آوردن نمونه‌های تازه خودداری می‌کنم.

۸ و ۹ - در شرح مورد ب - ۱، لایایی - های کشاورز از این دو جنبه نیز بررسی شده است.

۱۰ - لایایی‌های کشاورز به هیچ وجه طبیعتی روستایی ندارند و زائیده زندگی شهرنشینی اند و حتی گاه از ناآشنایی شاعر با طبیعت و دنیای گل‌ها حکایت می‌کنند. مثلاً در لایایی‌های بابایی، صفحه ۵ می - خوانیم: «لالا لالا گل غوزه». «غوزه» غلاف و پوست بعضی از گیاهان مانند شقایق، خشخاش، میوه ناشکفته پنبه و ... است و نمی‌توان فهمید که منظور کشاورز از «گل غوزه» چیست. باز در همان کتاب آمده «گل غوزه» و «گل شالی» و این در صورتی است که درخت مو و بوته برنج، گل ندارند و ...

۱۱ - در لایایی‌های کشاورز واژگان، عبارات و بندهایی وجود دارد که متعلق به دنیای خردسالان نیست و کارکردی مشابه مهمل در متل را نیز ندارند و خردسال باهوش را وامی‌دارد که دو - سه بند یک بار بپرسد «این یعنی چه؟» مثلاً بندهایی مشابه دو بند زیر، دغدغه‌های بزرگسالانه را با لحنی بزرگسالانه بیان می‌کند:

لالا لالا گل پامچال
یکی غمگین، یکی خوشحال
یکی لم می‌ده پشت میز
یکی پر می‌زنه بی‌بال

یک داره، یکی زاره
یکی پول هاشو می‌شماره
یکی هم مثل این بابا
تا بوق شب سرکاره

(لایایی‌های مامان زری، ص ۱۴)

کلمات و عباراتی مشابه «آفت»، «مهر»، «بی‌حد و مرز»، «دل و راه تاریک»،

«بی‌تاب»، «خار غم»، «حیران»، «ماتم»، «دست خالی»، «داروی هر درد»، «نوازش»، «معنا»، «کنجکاو»، «ماده»، «نر»، «غبار غصه و کینه» و ... در مجموعه‌های یاد شده، فراوان به چشم می‌خورد.

۱۲ - لایایی‌های کشاورز، رنگ بومی ندارند و متعلق به هیچ اقلیم خاصی نیستند. شهری که «نی‌نی کوچولو» و خانواده‌ش در آن زندگی می‌کنند، می‌تواند هر کدام از شهرهای فارسی زبان ایران فرض شود.

گذشته از آنچه گفته شد، در اشعار کشاورز مشکلات زبانی فراوانی جلب توجه می‌کند که عیار هنری اثر وی را کاهش می - دهد. در این جا فهرست‌وار، به برخی از نواقص مذکور اشاره می‌کنم:

قطع نامناسب مصاریع؛ مثلاً در مصراع سوم بند زیر، این مشکل وجود دارد:

نخستین و مهم‌ترین سؤالی که

پس از مطالعه این سه کتاب برای منتقد مطرح می‌شود،

این است که آیا می‌توان محتویات این مجموعه‌ها را

لایایی به حساب آورد یا نه؟

بحث درباره توانایی برقراری ارتباط با مخاطب،

قدرت شاعرانگی و عیار هنری این منظومه‌ها از نظر اهمیت،

در مراحل بعدی قرار دارد

شباهت دارند و معمولاً «لالا» یا «لای لای» در آن‌ها تکرار می‌شود، ولی این سروده‌ها لایایی نیستند و نوعی زبان گرفتن به شمار می‌آیند. گاه نیز در عزاداری‌های مذهبی و در سوگ شخصیت‌های کودک و نوجوان (مانند علی‌اصغر)، مرثیه‌هایی مشابه خوانده می‌شود. پس برای لایایی محسوب کردن هر سروده، باید دقیق‌تر و سنجیده‌تر عمل کنیم و هیچ‌گاه مخاطب اصلی و هدف اصلی این ژانر را از خاطر نبریم. ضمناً هر مضمون یا شگردی که در شعر کودک، زیبا و خوش می‌نشیند، لزوماً به درد لایایی نمی‌خورد.

لالا لالا گل غوره
مامان خورشید، مامان نوره
بابات مثل شبه وقتی
مامان از پیش اون دوره
(لایایی‌های بابایی، ص ۱۲)

استفاده نادرست از حروف ربط و افسانه، واژگان و افعال؛ مثلاً در مصراع «بابا آشتی شده با من» (لایایی‌های مامان زری، ص ۱۰)، منظور این است که «بابا با من آشتی کرده» یا در مصراع «خدا با ما چه نزدیکه» (آخرین بند هر سه مجموعه)، «با» به جای «به» نشسته است.

جابه‌جایی نابه‌جای ارکان جمله؛ مثلاً در مصراع دوم بیت «مامان با برق چشمونش / بابا رو می‌کنه جادو» (لایایی‌های بابایی، ص ۶)، «جادو می‌کنه»، به شکل «می‌کنه جادو» درآمده است.

حشو؛ مثلاً در بیت «نمی‌ذارم دل تنگش / بشه جای غم و ماتم» (لایایی‌های مامان زری، ص ۱۲)، کلمه «ماتم» حشو است و برای پر کردن وزن و قافیه شدن با «باباتم» آمده است.

فقدان نظام قافیه‌ای واحد در بندها؛ در هر سه مجموعه، بعضی از بندها سه قافیه و بعضی دیگر دو قافیه دارند.

در آخر، تأکید می‌کنم که تنها با حضور لفظ «لالا» یا «لالایی» در شعری، نمی‌توان آن را لایایی نامید. در بسیاری از مناطق ایران، در مرگ کودکان و نوجوانان، مرثیه‌هایی خوانده می‌شود که ظاهراً به لایایی